

متن سخنرانی فاضل محترم : آقای برهان آزاد

بیاد بود بیستمین سال درگذشت

استاد سخن و حید دستگردی

« درانجمن روابط فرهنگی ایران با اتحاد جماهیر شوروی »

(۲)

از طرف شاگردان استاد فقید که از بهترین گویندگان معاصر بشمار میروند و دوستان و آشنایان آن مرحوم که در جلسه حضور داشتند اشعار و قصاید و ماده تاریخیهای غرائی خوانده شد. لازم بیادآوری است که اکثر شعرای معاصر ایران و بعضی از گویندگان هند و پاکستان در رثاء استاد اشعاری ساخته اند که اکثر آنها در مجله ارمغان بطبع رسیده است.

در مجلس یاد بود دارالفنون آقایان حایری ، ناصح ، مسرور ، پژمان ، شهریار ، نجاتی ، فرات ، گلچین ، پرتو بیضائی و چند تن دیگر که مرثیاتی ساخته بودند قرائت کردند.

رثائیة آقای ناصح که بیش از پنجاه بیت و شامل ماده تاریخی هم هست و در ارمغان بچاپ رسیده چند بیت اول آن اینست :

کتاب دهر را ز آغاز تا انجام اگر خوانی

نه بینی اندر آن جز فصل غم باب پریشانی

قرار اینجاست خواهی کادمی گوئیست سرگردان

بدینسوی و بدانسو درخامین چرخ چو گانی

جهانا نیک بدرنگی بچشم مردم دانا

که عمری زار گریانی کرا يك لحظه خندانى

چو خندد يك دهن غمچه بتاراجش دهی خرمن
بر آتش چون گلابش اشك غم از دیده بفشانی
اگر يك لحظه چشم کس بروی دوست بگشائی

بر او حالی چنین نعمت مسلم دید نتوانی
بمرگ خواجه بنهادی غمی بر خاطر یاران
که این غم هست باقی گرچه باشد عمر مافانی
فراق اوستاد الحق غمی بس جانگزای آمد
که بر من بس گرانی کرد و بایاران گرانجانی
وحید نکته سنج آن بوده تنها یادگار ما
ز شیرین کارشیرازی و سحر انگیز شروانی الخ

و ماده تاریخ وفات وحید در این قصیده این مصرع است که از آن سال ۱۳۶۱ بدست میآید :

«وحید جاگزیده در پناه فیض سبحانی»

آقای روحانی شیرازی رئیس انجمن ادبی فارس و آقای عباس فرات شاعر معاصر هر دو بتعمیه «ارمغان وحید» را یافته‌اند که بآن الفی افزوده شود تا ۱۳۲۱ بدست آید .

آقای پرتو بیضائی «نظامی عصر» را که سال ۱۳۶۱ را معین مینماید جسته‌اند و آقای گلچین معانی دو ماده تاریخ یافته‌اند که یکی تاریخ مرگ وحید دستگردی را بسال شمسی و دیگری آنرا بسال قمری نشان میدهد که اینست :

«وحید گنج ادب بود شد نهان در خاک

لسان شعر و ادب بی وحید گویا نیست»

و چند ماده تاریخ دیگر :

بازماندگان - مرحوم وحید در حدود بیست و هفت سالگی یا سال بعد از آن

تأهل اختیار کرده است و از او پنج فرزند بوجود آمده، که چهار پسر و یک دختر باشد. یکی از پسران در زمان حیات وحید در دستگرد فوت کرده است.

فرزند ارشد استاد فقید که بحق خلف صدق وی میباشد ادیب و شاعر سخن سنج آقای وحیدزاده - نسیم میباشد که به نشر مجله ارمغان و برپاداشت انجمن ادبی حکیم نظامی و تدریس ادبیات در دانشکده افسری و دیگر کارهای ادبی اشتغال دارد. در دوران تاریخ ادب فارسی بندرت دیده شده که پس از استادی دانشمند و یا سخنوری نامی جانشینی لایق از وی بیادگار مانده باشد ولی وحیدزاده - نسیم چراغ فروزان علم و ادبی که پدر استادش وحید دستگردی بر افروخته بود همچنان فروزان نگاهداشته و انصافاً وارث فضائل پدر میباشد و بقول مشهور چنو پدر استادی را چنین فرزند هنروری درخور است.

عیال مرحوم وحید در قید حیات و نیز دو خواهر و سه برادر در دستگرد دارد که برادران بکار کشاورزی مشغول میباشند.

شعر و شاعری - نویسندگی و سبک - وحید در کودکی بسرودن اشعار شروع کرده است و در شعر بسیار استاد و قوی دست است و با آنکه مقداری از گفته‌های او در دست نیست باز بیش از بیست هزار بیت از آنها باقیمانده است که عده ای از آنها هنوز بطبع نرسیده و آقای وحیدزاده مشغول تدوین آنها میباشد که بچاپ برساند. منظومه سرگذشت اردشیر عنقریب منتشر خواهد شد و کلیات دیوان استاد در آینده نزدیک زینت بخش عالم شعر و ادب خواهد گردید.

شاعر ما برای تخلص ابتدا **لمعه** را اختیار کرده و چون باصفهان آمد بدستور استاد ادبی خود مرحوم **میرزا یحیی بیدآبادی** که هم شاعر بوده است تخلص **لمعه** را بوحید بدل ساخت.

وحید دستگردی هم در نشر دستی قوی دارد و هم در نظم استادی بی نظیر است در نشر نویسنده‌ای دانشمند و سخن‌شناس و پرمایه و محقق و نقاد است

و درنظم قدرت طبع و مهارت بسزائی دارد که بدون اغراق بزرگترین گویندهٔ قرن اخیر ایران بشمار میرود. علاوه بر اینها در سخنرانی هم بی قدرت نبوده همچنین بادییات عربی آشنائی کامل دارد چنانکه مکرر گفته های عربی را نظماً و نثراً بفارسی ترجمه کرده است.

نثر فارسی را وحید روان و سلیس و بی تکلف مینویسد و نمونه های بسیاری از نثر وی در مقدمه کتبی که بطبع رسانیده و یاد در مجله ارمغان میتوان یافت.

درنظم وحید شاعری بتمام معنی کلاسیک است و قدرت و مایهٔ بسیار دارد و بسبک قدما شعر میگوید و گفته هایش احاطهٔ کامل ویرا بادییات فارسی میرساند و از انواع شعر بخصوص بقصیده و غزل و قطعه و مثنوی بسیار علاقه نشان میدهد علاوه بر اینها تصنیف را خوب میسازد و وحید از شاعران استاد سبک عراقی و غالباً نظامی گنجوی و کمال اسمعیل و خاقانی و ظهیر فاریابی و جمال الدین عبد الرزاق و امثال اینها پیروی میکند و علی الخصوص بنظامی و سعدی بسیار معتقد است و آن دو را پیغمبر ملک سخن میخواند چنانکه گفته :

« جز نظامی نیست پیغمبر و مگر گوینده است

پس وحید دستگردی اندرین دینست و بس » .

و راجع بسعدی گوید :

هفت اقلیم سخن را گر سخن خواهی صواب

نیست جز سعدی کسی شاهنشاه مالک رقاب

در تقلید از نظامی گنجوی بسیار استادانه از عهده برآمده و توان گفت در بین تمام گویندگان مشهوریکه تا امروز از نظامی تقلید کرده اند هیچکدام مانند وحید از عهده این کار دشوار بر نیامده اند و نظر بفرط علاقه ای که بگفتار و اشعار استاد گنجه دارد آثار نادر ویرا تصحیح و تنقیح و تفسیر و منتشر ساخته است .

همچنین انجمن ادبی مشهور حکیم نظامی را که هنوز باقیست تأسیس نموده است .
از شواهد بارزتر این علاقه شدید و مهمترین آنها تصحیح و تحشیه و طبع
خمسۀ حکیم مزبور است که وحید با مقابله ۲۵ نسخه خطی و چاپی اشعار آن
حکیم را تصحیح و تهذیب کرده و بچاپ رسانیده است و متعاقب آن **گنجینه گنجوی**
را گردآوری و منتشر ساخته است که مجموعاً با خمسۀ نظامی بسبعۀ نظامی
شهرت دارد .

این اقدام وحید ویرا بسیار بلند آوازه ساخته و مجموعۀ وی مهمترین و
صحیحترین چاپ آثار حکیم نظامی گنجویست و شهرت جهانی دارد و نمونه و
شاهد کار بزرگیست که بتوسط مردی دانشمند و فعال و سزاوار این کار صورت
گرفته است .

خدمات و فعالیت‌های ادبی و فرهنگی - مرحوم وحید مردی پر کار و
فعال و مفید بوده است و تقریباً از بیست و چند سالگی بفعالیت‌های سیاسی و ادبی و
فرهنگی پرداخته است و چون شصت و سه سال عمر کرده پس بیش از **چهل سال**
باین کار اشتغال داشته است و بیش از چهل و سه کتاب یا تألیف کرده است و یا
بتصحیح و تحشیه پرداخته است و یا آنکه منحصرأ بطبع آنها اقدام نموده است که
آن کارها و اقدامات را میتوان در سه بخش بعرض رسانید .

اول - تألیفات - دوم دواوین و کتبی که تحشیه و تصحیح و نشر کرده
است - سوم کتبی که فقط بچاپ رسانیده است .

تألیفات - مهمترین تألیفات وی ۴۲ دوره مجله ارمغانست که مرتباً
بدون تعطیل و انقطاع تا آخر عمر ادامه داده است .

الف - سرگذشت اردشیر که کتابیست منظوم و مطالب آنرا از اسمش
میتوان حدس زد این کتاب را مرحوم وحید در ضمن مسافرت چهارمجال در سال
۱۳۳۴ ق . شروع بنظم کرده و در عرض یکسال باتمام رسانیده است و مقداری از

اشعار آن کتاب بتدریج در مجلهٔ ارمغان بطبع رسیده و مجموعهٔ آن ضمیمهٔ مجلهٔ ارمغان می‌باشد که چاپ آن پایان رسیده و عنقریب منتشر خواهد شد .

ب - **ره آورد و حید** در سه جلد که دو جلد آن بچاپ رسیده است و بنظم و نثر می‌باشد .

ج - **صد اندرز و حید** که قطعاتیست منظوم و هنوز کاملاً بطبع در نیامده و مقداری از آن قطعات در مجلهٔ ارمغان موجود است . و نمونه هائی از آن بسمع حضار میرسد .

د - **دیوان قصائد و قطعات** که هنوز کاملاً بحلیه طبع در نیامده است و مقداری از آنها در مجلهٔ ارمغان مندرج می‌باشد .

ه - **جلد دوم یخچالیه** بنظم و نثر که بتقلید یخچالیه میرزا محمد علی منهدب تألیف شده است کتابیست انتقادی و غیر اینها .

مجله ارمغان - مجلهٔ ارمغان یکی از شواهد دل‌باختگی و شیفتگی و خدمتگزاری مرحوم و حید دستگردی بادبیات فارسی تأسیس و انتشار مجلهٔ ارمغان است که از سال ۱۳۳۸ قمری برابر با ۱۲۹۸ شمسی تا آخر عمر وی ۲۲ سال در ۲۲ دوره مرتب منتشر شده و ناشر برای اینکه این خدمت را بهتر انجام دهد در سال دوازدهم تأسیس چاپخانه‌ای هم دایر کرده است .

مجلهٔ ارمغان مجله‌ایست هم ادبی و هم علمی و مطالب متنوع علمی و ادبی در آن درج شده و گنجینهٔ گرانبهایست که نه تنها در آن از آثار و احوال بزرگان علم و ادب گذشته ما بحث شده بلکه آثار و اشعار معاصرین هم بحد و ففور در آن یافت میشود و از این حیث منت بزرگی بر ادبیات ما دارد و نیز نام و آثار عده از معاصرین را مخلص ساخته است .

ناشر دانشمند این مجله هر ساله بضمیمهٔ مجله ماهیانه خود یک جلد کتاب هم چاپ و منتشر می‌کرد .

وحید در این مجله تنها بشرح ودرج حالات و آثار بزرگان فارسی زبان اکتفا
نمیکرد بلکه بحالات و آثار و اشعار شعرای عرب و اروپائی و حتی ارمنی هم میپرداخت
و گاهی اشعار آنها را بنظم فارسی هم درآمده است چنانکه در شماره دهم سال هفدهم
شرح حالی از پوشکین بزرگترین شاعر روس منعقد ساخته و چند قطعه از گفته های
ویرا بنظم فارسی در آورده است که عبارتند از **قطعه گل - قطعه یار لیلی و ش -**
و قطعه سلام بنسل جوان و قطعه آلق غیب دان .

درین این قطعات بطوریکه مستشرق فقید و معروف روسی بر تلس اظهار نظر
کرده و تقریظ نگاشته است وحید **قطعه آلق غیب دان** را بهتر از همه از عهده بر-
آمده است اینک برای نمونه اینگونه اشعار و وحید ترجمه **قطعه لیلی و ش** را که از
همه کوتاهتر است در اینجا قرائت میکنیم در این قطعه هم مضمون خوبست و
هم ترجمه .

از برم دوش یار لیلی و ش	سر گران رفت و با تکبر و ناز
گفتم ای ماه دلفروز بایست	سردمهری مجوی و گرممتاز
گفت باطنه پیش موی سفید	عشق را کوتهست دست دراز
برف پیری ترا نشسته بسر	سرد مهریست زان مرا انبار
گفتم ای نوجوان نگارمزن	طعنه بر پیرو در نیوش این راز
زندگی کونه نمونه دارد رنگ	هریک آید بوقت خویش فراز
موی من مشک بود شد کافور	هر دو شادی فزا و غم پرداز
گفت با خنده نغز گفتی لیک	نکته اصل را نگفتی باز
مشک زیب عروس و داماد است	لیک کافور با کفن دمساز

اما **قطعه (سلام بر نژاد نو پوشکین)** با این دوشعر شروع میشود :

گردش چرخ بر نشیب و فراز	در فکندم بسر زمینی باز
که بتبعید چرخ چو گانی	بودم آنجا دو سال زندانی

الی آخر .

این قطعه حاوی ۴۱ شعر است و وحید متعاقب نظم آن در پاسخ این سلام اشعاری بنظم آورده که نام آنرا «درود بر پوشکین از طرف نژاد نو» نهاده است .
و ضمناً بد نیست بعرض برساند که غیر از استاد فقید وحید که باین سلام پوشکین بنسل جوان است و سمت تقدم دارد مرحوم ملك الشعراء بهار هم همین مطلب را ساخته است .

اینك چند شعر از قطعه درود بر پوشکین را قرائت مینمایم .

پوشکین ای سخنسرای جهان	نغمهات بهترین نوای جهان
ای میهن شاعر سخنور روس	وی بتو سر بلند کشور روس
روس تنها نه سر بلند بتست	که جهان جمله ادجمند بتست
تو نمر دستی ای جهان سخن	در جهان زنده ای بجان سخن
شعر تو آب از حیوان برد	چشمه زندگی نخواهد مرد
ای سخن آفرین دستان ساز	هنر افروز و داستان پرداز
نك پاسخ تمام اهل جهان	از کهن نسل تا نژاد جوان
با نوا های رود و نغمه راست	همه را این سرود ازل خاست
که ز ما باد تا بپاید بود	بر تو ای پوشکین سلام و درود .

شادروان ملك الشعراء بهار در ۱۷ فروردین ماه ۱۳۲۸ ش . در این مورد چنین شروع میکنند .

درود بر تو و فضل و کمالت ای پوشکین

بطبع نازک و لطف خیالت ای پوشکین

سعادت بشر آرمان و ایده آل تو بود

درود بر تو و بر ایده آلت ای پوشکین

الی آخر .

اما کتبی که مرحوم وحید تصحیح و تحشیه و نشر کرده است، چنانکه اشاره شد مرحوم وحید را مرسوم این بوده که هر ساله بضمیمه مجله ارمغان کتابی منتشر میساخته اینک کتابهایی که تصحیح و تحشیه و طبع و نشر کرده از نظر حضار محترم میگذرد.

۱ - دیوان بابا طاهر عریان شاعر و عارف قرن پنجم هجری با کلمات قصار وی .

۲ - جام جم اوحدی مراغه‌ای شاعر قرن هفتم و هشتم .

۳ - بختیار نامه شمس الدین محمد دقایقی به نشر از قدما .

۴ - تذکره تحفه سامی تألیف سام میرزا صفوی با تهیه مقدمه و فهرست اسامی .

۵ - تذکره میرزا طاهر نصر آبادی از نویسندگان قرن یازدهم هجری در سه

بخش با تهیه مقدمه و فهرست اسامی .

۶ - رسائل خواجه عبدالله انصاری از عرفا .

۷ - دیوان ادیب الممالک فراهانی .

۸ - دیوان جمال الدین عبدالرزاق اصفهانی شاعر شهیر .

۹ - کتب نظامی گنجوی .

۱۰ - گنجینه گنجوی .

۱۱ - غیر از اینها پنج یک دیوان کمال الدین اسمعیل اصفهانی را تصحیح و

تشریح کرده و پس از مرگ استاد تصحیح بقیه دیوان در انجمن حکیم نظامی بوسیله آقای وحیدزاده - نسیم ادامه داده شد و اکنون برای چاپ آماده گردیده است .

اما کتبی که مرحوم وحید فقط بطبع آنها اقدام کرده است عبارتند از :

۱ - دیوان ابوالفرج رونی از شعرای قرن پنجم .

۲ - دیوان **قائم مقام فراهانی** وزیر و نویسنده نامی .

۳ - دیوان سید احمد **هاتف اصفهانی** از شعرای قرن دوازدهم .

۴ - اشعار **گزین ادیب الممالک فراهانی** از شعرای قرن اخیر .

۵ - دیوان **عبیدزاکانی** از شعرای نامی قرن هشتم .

در خاتمه بی مناسبت نمیدانند که بسایر اقدامات فرهنگی استاد وحید هم مختصراً اشاره کرده بعرایض خود خاتمه دهم .

۱ - تأسیس **انجمن ادبی ایران** در ۱۲۹۹ خورشیدی .

۲ - تأسیس **انجمن ادبی حکیم نظامی** که هنوز هم دوام دارد و بزرگترین

شعرا و فضایی معاصر که اغلب شاگردان استاد فقید میباشند بکارهای ادبی ادامه میدهند .

۳ - اقدام بتأسیس **دبستان ارمغان** درسوهانک شمیران .

۴ - اقدام بتأسیس مدرسه **کمال الدین اسماعیل** دردستگرد اصفهان .

۵ - اقدام باشکار ساختن **قبر کمال الدین اسماعیل** اصفهانی در اصفهان .

اینک عرایض خود را با این قطعه از صد اندرز استاد بزرگ پایان میدهد :

با پسر گفت مرد دانشمند

یک دوروزی که در سرای سینج

منشین کج چو خارتیز زبان

در ره کسب سود شاد بکوش

غم مخور ورنه غم ترا بخورد

در گذر از دکان سر که فروش

کام دل گر نیابی از گیتی

خوش و ناخوش هر آنچه آید پیش

والسلام ۱۳۴۱۷۲۴۴